



محمد مهاجری خواستار محاکمه «اینان وضع موجود» شد
شکایت از رئیسی به دادگاه ویژه روحانیت

دوشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۱ - ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۴۴ - ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲

شهر

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



اعطای مصونیت به بن سلمان قاتل منتقد حکومت سعودی
آمریکا چشم بر خون خاشاچی بست

سال هفتم - شماره ۲۰۶۶ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

افزایش سرسام آور هزینه‌های درمان دامن سالمندان را گرفته است

سلامت دور از دسترس بازنشستگان

وضعیت خاص برخی چهره‌های سیاسی، فرهنگی و ورزشی؛

از دعوت به گفتگو تا احضار به دادسرا

رئیس جمهور در مقام منتقد تصمیمات اقتصادی دولت

مخاطب مبهم دستورات رئیسی

همدلی از نگرانی‌ها پیرامون آب‌گیری یک سد جدید گزارش می‌دهد

سد «چم شیر» تکرار تاریخ سد گتوند

گزارش «همدلی» از اجرای یک سیاست عجیب برای سامان‌دهی بازار ماشین

پوست خربزه زیر پای خودروسازان

وزارت نفت در پاسخ به گزارش همدلی تشریح کرد

سازوکار فروش نفت خام توسط اشخاص

گزارش‌های ضد و نقیض از وضعیت نگران کننده در آذربایجان غربی؛

در مهاباد چه خبر است؟

شرح در صفحه ۲



سریال خروج از جام جم

پس از کناره‌گیری چند مجری از رسانه ملی فردوسی‌پور هم گزارش جام جهانی را نپذیرفت

یادداشت‌ها

حوادث تلخ کنونی و یک سناریوی محتمل
محسن اورکی کوهشور
دکتری سیاست‌گذاری عمومی
اعتراضات و ناآرامی‌های شهریور ۱۴۰۱ و تداوم آنها تاکنون موجب خسارت و صدمات مادی و معنوی غیرقابل‌جبرانی...

امان از مخبران و مشاوران
محمدجواد پهلوان
مدرس دانشگاه

به نظر می‌رسد یکی از عواملی که باعث شده تا ناآرامی‌های دومه اخیر استمرار پیدا کند در کنار سوءتدبیرهای رایج، ارانه و انتقال اطلاعات غلط...

عارف قزوینی حنجره خروشان مردم
فعال اجتماعی

وقتی بر اثر تحولات اجتماعی شوری و آمیدی در ملت سسر برمی‌آورد این وجد و شور عرصه شعر و موسیقی را هم فرامی‌گیرد...

کیان کشور در خطر است
محسن صنیعی
مدرس دانشگاه

همچنان خیابان‌ها و شهرهای ایران، بعد از ۹ هفته از جان باختن مهسا امینی در التهاب است. دانشگاه‌ها هنوز آرام نشده‌اند.

وزارت نفت در پاسخ به گزارش همدلی تشریح کرد سازوکار فروش نفت خام توسط اشخاص

پس از انتشار گزارشی با عنوان «بارگشت به دوره بابک زنجانی» در روزنامه همدلی مورخ ۱۴۰۱/۸/۲۵ روابط عمومی وزارت نفت با ارسال جوابیه‌ای به شرح زیر به آن پاسخ گفت: تشریح سازوکار فروش نفت خام توسط اشخاص «حقوقی» وابسته به دستگاه‌های اجرایی نظر به انتشار مطلبی در خصوص ابلاغیه اخیر مربوط به فروش نفت خام در روزنامه همدلی طرح پارهای ابهامات پیرامون آن، ضمن تبیین و تشریح فرایند آن، توضیحاتی جهت آگاهی مخاطبان به شرح ذیل اعلام می‌شود.

۱- مطابق قانون بودجه ۱۴۰۱ مصوب مجلس شورای اسلامی، بر اساس جزء (۱) بند (ز) تبصره ۱۹ دستگاه‌های اجرایی دارای اعتبار اجازه دارند از طریق شرکت ملی نفت ایران نسبت به فروش نفت خام و میعانات گازی اقدام کنند که در راستای اجرای قانون مصوب مجلس، آیین‌نامه اجرایی آن نیز ۱۸ آبان‌ماه از سوی معاون اول رئیس‌جمهوری ابلاغ شد. ۲- آیین‌نامه اجرایی آن در راستای استفاده حداکثری از ظرفیت فروش و دریافت نفت تهارت برای ساخت مسکن، احداث جاده و ریل و دیگر سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مورد نیاز کشور تصویب و ابلاغ شده است.

۳- براساس این آیین‌نامه دستگاه‌های اجرایی دارای اعتبار برای فروش نفت، باید در مرحله نخست از سازمان برنامه و بودجه کشور تخصیص دریافت و آن را به وزارت نفت ارائه دهند، همچنین دستگاه‌های اجرایی هم‌زمان با این اقدام باید یک شرکت بازرگانی معتبر و فعال در حوزه تجارت نفت، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی را به وزارت نفت معرفی کنند. ۴- وزارت نفت پس از معرفی شرکت بازرگانی معرفی شده که اشخاص حقوقی هستند اقدام به ارزیابی آنها می‌کند، شرکت بازرگانی معرفی شده باید دارای سابقه فعالیت در بخش تجارت نفت، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی باشد، ضمن این که برای دریافت نفت باید ضمانت‌نامه معتبر بانکی به شرکت ملی نفت ایران ارائه دهد که در صورت تسویه نشدن بهای محوله‌ها، این ضمانت‌نامه‌ها در عوض آن ضبط خواهند شد.

۵- شرکت ملی نفت ایران برای فروش نفت به شرکت‌های بازرگانی ضمانت‌نامه بانکی از بانک‌های معتبر داخلی که مورد تأیید شورای عالی امنیت ملی هستند، دریافت می‌کند. این سازوکارها در مجموع برای این طراحی شده‌اند که جلوی هر نوع سوءاستفاده، رانت یا موارد این چنینی گرفته شود و طبعاً طرح موضوعاتی مانند ظهور بابک زنجانی و امثال با توجه به چارچوب‌های محکم قانون مجلس و ابلاغیه دولت، بلاوجه است.

۶- شرکت‌هایی که با آنها قرارداد فروش نفت امضا می‌شود مجاز به فروش نفت به مشتریان کنونی نفت ایران نیستند، این شرکت‌ها در شرایطی می‌توانند نفت برداشت کنند که بازارهای صادراتی جدید پیدا کنند.

۷- مسیر فروش نفت شرکت‌های بازرگانی از زمان تحویل نفت تا رسیدن به مقصد برای مختل نشدن بازار فعلی فروش نفت ایران تحت کنترل خواهد بود.

۸- برای پرداخت ارز حاصل از فروش نفت از سوی شرکت‌های بازرگانی، خریدار باید پول آن را به حساب بانک مرکزی ایران واریز کند و بانک مرکزی این پول را تبدیل به ریال کرده و در اختیار خزانه‌داری کل کشور قرار می‌دهد. در واقع برداشت‌کنندگان نفت متعددی می‌شوند از حاصل از فروش نفت را به حساب بانک مرکزی واریز کنند.

۹- شرکت ملی نفت ایران در صورت هرگونه تخلفی از سوی شرکت‌های بازرگانی ضمانت‌های اخذ شده را به اجرا می‌گذارد. در عین حال وزارت نفت در تلاش برای استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای فروش نفت است و فروش حتی یک بشکه نفت بیشتر را در شرایط تحریمی غنیمت می‌داند و این روز از همه فعالان توانمند در تجارت نفت حمایت می‌کند. ۱۰- به نظر می‌رسد بعضی رسانه‌ها بدون دقت به محتوای آیین‌نامه دولت درباره فروش نفت به اشخاص «حقوقی» وابسته به دستگاه‌های اجرایی مورد نظر قانون، از آن به فروش نفت به اشخاص «حقوقی» تعبیر کرده‌اند که ناگفته پیداست که این تعبیر تا چه حد با واقعیت تناقض دارد. یعنی عملاً خود قانون، محتوای آیین‌نامه و شیوه اجرایی آن کاملاً مورد بی‌توجهی قرار گرفته و صرفاً از روی عنوان درباره آن گزارش نوشته شده و اظهار نظر شده است.

۱۱- نباید از یاد برد که شیوه فروش نفت به اشخاص حقوقی مورد تأیید دستگاه‌ها کم‌وبیش بسته به شدت و ضعف تحریم‌ها در سال‌های پس از تحریم در همه دولت‌ها از جمله دولت‌های دهم تا دوازدهم وجود داشته و قانون و آیین‌نامه فعلی برای ضابطه‌مند کردن بیشتر و تدقیق چارچوب‌ها و کاربردی کردن آن طراحی، تصویب و ابلاغ شده است.

یادداشت

کیان کشور در خطر است
محسن صنیعی - همچنان خیابان‌ها و شهرهای ایران، بعد از ۹ هفته از جان باختن مهسا امینی در التهاب است. دانشگاه‌ها هنوز آرام نشده‌اند. اگر هر اعتراضی در هر روز در هر گوشه ایران اتفاق افتاده است را به عنوان یک واحد برای اندازه‌گیری انرژی اعتراضات حساب کنیم، این اعتراضات به مراتب بزرگتر از حوادث ۹۶، ۸۸، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ است. بعضی‌ها شمار شرکت‌کنندگان در اعتراضات را به حداکثر صد هزار نفر کاهش می‌دهند، حال آن که باید به شمار آنان که در خیابان بوده‌اند، شمار دانشجویانی که در اعتراضات بوده‌اند، شمار دانش‌آموزانی که داخل مدرسه یا بیرون مدرسه در اعتراض بوده‌اند را حساب کرد و آنگاه درباره آمارهایی که برخی رسانه‌ها و نهادهای می‌دهند، با احتیاط برخورد کرد. علاوه بر این موارد، شمار زانلی که به صورت علنی روسری خود را برداشته اند و حتی شمار آنان که در ماشین‌هایشان بوق می‌زنند را هم به‌عنوان کسانی که اعتراض به وضع موجود را برگزیده اند، به حساب آورد. اگر واقعیت‌های مقابل خودمان را واقعی ببینیم، با پدیده‌های بسیار بزرگ روبرو هستیم.

متأسفانه در دومه اخیر شرایط، شاهد کشته شدن جوانان و کودکانی بوده‌ایم که از موارد اخیر آن، کشته شدن «کیان بیرفلک» دانش‌آموز تیزهوش ایزدای بود. بر همه این موارد خوشنویسی چون آتش زدن اماکن و حتی درگیری فیزیکی طرفین ماجرا در خیابان‌ها را نیز اضافه کنید. کشور به سمت خشونت عجیبی در حال سوق دادن است. این شرایط، برای ایران بسیار مخاطره‌آمیز است. متأسفانه در این شرایط، تقریباً همه مردم، روحیه ششادی را از دست داده‌اند و جامعه در غم و سوگواری است. نه استاد، یاری تدریس دارد، نه دانشجو، حوصله تحصیل، نه بازاری نشلساد دارد، نه کارگر و کارمند، انگیزه کار کردن. در شرایطی که تیم ملی فوتبال ایران در تورنمنت بزرگ جام جهانی حضور دارد، هیچ شغف و شادی در جامعه از حضور تیم ملی در جام جهانی دیده نمی‌شود و حتی برسر حمایت یا عدم حمایت از آن نیز در جامعه دوقطبی ایجاد شده است. این وضعیت بدترین موقعیت ممکن برای یک جامعه است. تداوم این شرایط، وضعیت را هر روز بدتر می‌کند، به طوری که به جرات می‌توان گفت کیان کشور در خطر است. در این شرایط، هیچ سرمایه‌گذاری، میل به سرمایه‌گذاری نخواهد داشت. بلکه هر متخصص و صاحب سرمایه که بتواند، مهاجرت و جالی وطن را انتخاب می‌کند. در این شرایط، قطعاً مقابله امنیتی، راه حل مساله نیست. کما این که هفته‌هاست که مسئولین امنیتی پایان اعتراضات را اعلام کرده‌اند، ولی عملاً این شرایط ملت‌هم همچنان ادامه دارد و معلوم نیست نقطه پایان آن کی خواهد بود. اگر موقت شوند که با روش‌های امنیتی، آرامشی نسبی برقرار کنند ولی با توجه به تداوم عوامل و ریشه‌های اصلی اعتراض، جامعه با یک جرقه دیگر به موقعیت التهاب و ناآرامی باز خواهد گشت. دو ماه است که وضعیت اینترنت انصب مردم را به بازی گرفته است، بدون آن که اندکی بر روی مدیریت بحران امنیتی تأثیر بگذارد. تنها اثر فیلترینگ اینترنت، افزودن شمار نارضایتی‌هاست و بیکاری بسیاری از کسانی است که برای خود در فضای اینترنت، کسب‌وکاری تدارک دیده بودند.

اگرچه در دومه اخیر بسیاری از دلسوزان و صاحب‌نظران پیشنهاداتی ارائه کرده اند، نگارنده نیز پیشنهاد می‌کند که اولاً، بحران به رسمیت شناخته شود. ثانیاً، یک کنفرانس ملی چندروزه برای بررسی راه‌کارهای خروج از بحران، برگزار و به‌صورت زنده برای مردم پخش شود و در آن حتی اجازه سخن به معترضان و مخالفان دل‌سوزی همچون میر حسین موسوی و سید مصطفی تاج‌زاده و افراد دیگر داده شود.

یادداشت

حوادث تلخ کنونی و یک سناریوی محتمل (۱)
محسن اورکی کوهشور - اعتراضات و ناآرامی‌های شهریور ۱۴۰۱ و تداوم آنها تاکنون موجب خسارت و صدمات مادی و معنوی غیرقابل‌جبرانی همچون از دست دادن سرمایه‌های اکنون و آینده‌ی کشور از جمله کودکان، نوجوانان و جوانان این سرزمین شده است که گویی سر باز ایستادن ندارد و هر روز با پر کشیدن کبوتران معصومی چون «کیان بیرفلک» جان انسان را برافروخته، وجدان بشری را سوخته و هر دیندار و آزاده‌ای را از شدت غم و اندوه سر در گریبان و مغموم می‌کند. در تحلیل و تجزیه ریشه‌ی این یافته‌ها که هر کدام از منطری واجد توجه و درخور تأمل و تعمق می‌باشند، انواع عوامل، متغیرها و گزاره‌ها را مؤثر دانسته‌اند؛ از این که نسل گذشته است؟ چنانچه به این پرسش‌ها هفتاد و دهه‌ی هشتاد هجری شمسی به دلیل بی‌اعتنایی به آن‌ها و خواسته‌هایشان موتور و پیشران این ناآرامی‌ها و اعتراضات بوده‌اند، زنان دختران بخش‌غیرقابل‌انگام‌ها و سرعت‌دهنده‌ی آن بوده‌اند، همگی سری ترس دارند، مطالبات ترکیبی و متنوع در آن نسبت به گذشته که بعضاً فقط رویکرد سیاسی یا اقتصادی داشته بیشتر به چشم می‌آید، رنگ و وزن فرهنگی و اجتماعی در آن بیشتر به نظر می‌آید، بالا رفتن سطح عمومی سواد و تآفرایش سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه ... و خیلی متغیرها و مؤلفه‌های دیگر که همه در جای خود درست و بخشی از حقیقت‌اند، را شامل می‌شوند. اما آنچه تا حدودی با واقعیت فاصله دارد و به‌خاطر همین نگاه هم یافتن راه حل را برای این وضعیت دشوار می‌نماید گزاره‌ی «انقطاع یا شکاف نسلی و گفتگویی» است که به کرات هم از سوی مسئولین و هم بعضاً از سوی اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی بیان و اقامه می‌شود که نمی‌تواند صد درصد دقیق، اقناع‌کننده، جامع و مانع باشد؛ مگر اینکه احتمالاً بخواهیم موضوع را از وادی عقل و تدبیر به عالم خیالات و احوال و ارجاع دهیم. این که بگوییم این نسل و کنش‌گران از جایی دیگر هیوط کرده و به یک‌باره ما با جوانانی بین ۱۸ تا ۳۰ سال مواجه شده‌ایم که زبان ما را نمی‌فهمند، قدرت تعامل با آنها را نداریم و باید کسی یا پیامبری از همین نسل فرو فرستاده شود تا زبان آنان را بفهمد و به گفتگو و مفاهمه با او تن در دهند و خود و جامعه را از آنچه انتظار دارند راضی، خرسند نموده و از تنش وارهندند. از منظر روانی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی کنار آمدن با این گزاره قدری دشوار است مگر این که بخواهیم با توسل به این گزاره مسئولیت را از دوش خود و دیگران برگرفته و به ناگه‌یاد احوال دهیم. مگر می‌شود

یادداشت

امان از مخبران و مشاوران
محمدجواد پهلوان - به نظر می‌رسد یکی از عواملی که باعث شده تا ناآرامی‌های دومه اخیر استمرار پیدا کند در کنار سوءتدبیرهای رایج، ارانه و انتقال اطلاعات غلط به مقامات مسئول و تصمیم‌گیران کشور است. در واقع به نظر می‌رسد مدیران میانی که وظیفه‌ای در این زمینه دارند و یا مشاورانی که در نزدیکی بزرگان حضور دارند به عمد یا به سهو اطلاعات چندان دقیقی را مخبره نمی‌کنند. در همین راستا گاه مشاهده می‌شود که برخی اظهارات مسئولان بر همین اطلاعات مغشوش و ناگافی مبتنی است. موضوعی که به نظر می‌رسد نه تنها مساله‌ای را حل نکرده، بلکه خود به یک معضل بزرگ تبدیل شده است و باید هرچه سریع‌تر برای آن فکری کرد.

بدیهی است، این معضل فقط موجب بروز خطا در تحلیل‌ها نمی‌شود؛ چرا که بلافاصله پیامدهای خود را در تصمیم‌گیری‌ها نشان می‌دهد. از آنجا که منتقل‌کنندگان اخبار در چنین سازمان‌هایی امین محسوب می‌شوند، وظایفشان در عالم واقع بسیار خطیر است و ممکن است که اطلاعات آنان زمینه‌ساز یک تصمیم مهم و تأثیر گذار شود. به عبارت ساده‌تر این افراد تصمیم‌ساز هستند و نقش کلیدی و مهمی را دارند. صد البته این نقش موثر در شرایط و وقایع فعلی حساس‌تر هم می‌شود. چرا که در برهه‌های قرار داریم که اگر تحولات کف جامعه صحیح و دقیق به تصمیم‌گیران اصلی نرسد چه‌جا تصمیمی اتخاذ شود که بنزینی بر روی آتش باشد و شرایط را بدتر از پیش کند. دقیقاً مشخص نیست انتقال اطلاعات غلط، عمدی است یا سهوی، ولی به هر روی از سه حال خارج نیست: عده‌ای از این افراد جزو افراد مشکوک هستند؛ به قصد ایجاد خطا در تصمیم‌گیری به عمد اطلاعات غلط منتقل می‌کنند. در طول تاریخ همین جمهوری اسلامی که نبودند چنین افرادی که به ظاهر دل‌سوز بودند ولی در باطن و به عمد ضد منافع ملی عمل می‌کردند. عده‌ای هم به دلیل کم‌تجربگی، بی‌سواد و بی‌خاصیت اطلاعات را صحیح منتقل نمی‌کنند. این افراد برای روزهای سخت تربیت نشده‌اند و کمافی‌السابق به سبک روزهای عادی در حال انتقال اطلاعات هستند؛ این درحالی است که در شرایط ویژه و خطیر، لازم است که ماموریت‌ها در این زمینه نیز کاملاً ویژه دنبال شود. عده دیگری هم هستند که اگرچه اهل اجتهاد دلسوزانه هستند ولی نتیجه اقدامات‌شان می‌تواند خیانت‌بار باشد؛ به‌عبارت دیگر، این افراد با اینکه صاحب تحلیل‌های اشتباه هستند اما به دلیل نزدیکی به منابع قدرت، این جرات را به خود می‌دهند که اطلاعات را به صورت کاتالیزه و هدایت شده در اختیار تصمیم‌گیران قرار دهند. اینان در واقع خود تصمیم‌سازی کرده و تصور می‌کنند با این اقدام در حال کمک برای بهبود شرایط هستند. ناگفته پیداست اگرچه این افراد عمدی برای بدتر کردن شرایط ندارند، اما روشن است که این رویکرد مشکلات بزرگی را ایجاد می‌کنند؛ مشکلاتی که عمدتاً خیانت‌کاران می‌توانند برای نظام تصمیم‌گیری کشور ایجاد کنند. راه‌کار اصلی آن است که در زمینه مخبران و مشاوران تجدیدنظر اساسی صورت گیرد. همین شرایطی که در آن حضور داریم یعنی اطلاعات به درستی مخبره نمی‌شود و تصمیم‌گیری‌ها نسبتی با واقعیت‌های کف خیابان ندارد. قلمی که تاکنون چندبار گفته است جماعت جمع شده، نشان می‌دهد که کاتال‌های ارتباطی او با جامعه به او اطلاعات غلط داده‌اند. به نظر می‌رسد تجدیدنظر در این راستا می‌تواند به میزان بالایی از مشکلات در تصمیم‌گیری‌ها را مرتفع نماید.